

گزارشی از فستیوال جهانی خشم شرافتمندانه در مکزیک

از تاریخ ۲۵ دسامبر ۲۰۰۸ تا ۵ ژانویه ۲۰۰۹

بهرام قدیمی

در روز ۱۶ سپتامبر اطلاعیه‌ای از سوی ارتش زاپاتیستی آزادیبخش ملی، EZLN منتشر شد که در آن با توضیح شرایط موجود در سطح مکزیک و جهان، و توضیح علل وجود خشم طبقاتی، از تمام شورشگران در مکزیک و جهان دعوت کرد تا در «نخستین فستیوال جهانی خشم شرافتمندانه» - از تاریخ ۲۵ دسامبر ۲۰۰۸ تا ۵ ژانویه ۲۰۰۹ - شرکت کنند^(۱). در همین اطلاعیه ارتش زاپاتیستی اعلام شد که «گروه‌ها، جمع‌ها و سازمان‌های کشوری و بین‌المللی که در بحث‌های فستیوال شرکت می‌کنند، تنها آن‌هایی هستند که به این مراسم دعوت شده باشند.»

و می‌افزایند: «برای میزگردها و کنفرانس‌ها، ارتش زاپاتیستی آزادیبخش ملی از سازمان‌های اجتماعی، متفکرین، رهبران پروژه‌های ضد سرمایه‌داری مکزیک و جهان دعوت به عمل خواهد آورد.»

زاپاتیست‌ها، سپس، در تاریخ ۲۶ نوامبر ۲۰۰۸ نوشتند: تا به امروز شرکت افراد، گروه‌ها، جمع‌ها، و سازمان‌ها به غیر از مکزیک، از کشورهای زیر تأیید شده است: «ایران، سرزمین باسک، آرژانتین، کوبا، ایتالیا، شیلی، فرانسه، انگلستان، ایالات متحده [آمریکا]، استرالیا، برزیل، ونزوئلا، سوئد، بلژیک، کوستاریکا، آلمان، اسپانیا، نروژ، سوئیس، یونان.»

و افزودند که از سوی ارتش زاپاتیستی آزادیبخش ملی نیز یک هیئت در این فستیوال شرکت خواهد داشت.^(۲)

به این ترتیب کار سازماندهی این فستیوال رسماً آغاز شد.

از جریان ما، اندیشه و پیکار، نیز برای شرکت در فستیوال دعوت شده بود. ما پس از بحث و گفتگو به این نتیجه رسیدیم که از آنجا که ما خود را نماینده جریان‌های اجتماعی و سیاسی در ایران نمی‌دانیم، و از آنجا که به گمان ما جنبش اجتماعی به سان رنگین‌کمانیست که دیدگاه‌های مختلف را در بر می‌گیرد، پس بهتر این است که ما به نوبه خود تا آنجا که امکان داشته باشد، از نیروهای فعال در ایران که با شناخت ما در چارچوب مبارزه ضد سرمایه‌داری می‌گنجد دعوت کنیم تا مبارزاتشان را به افراد، سازمان‌ها، گروه‌ها و نیروهای دیگری که در سراسر جهان مبارزه‌های ضد سرمایه‌داری را به پیش می‌برند بشناسانند، با آنان رابطه برقرار کنند، و مبارزاتشان را تا آنجا و آن گونه که خودشان صلاح می‌دانند، با آنان هماهنگ کنند. این خبر و دعوت از طریق دوستانی که با ایران تماس داشتند به اطلاع آنان رسید ولی ظاهراً موانعی در راه سفرشان وجود داشت. سرانجام، چند روز قبل از آغاز فستیوال، پیامی از سوی کانون مدافعان حقوق کارگر رسید. ما این پیام را ترجمه کردیم و در روز اول فستیوال، در بخش مربوط به مبارزات کارگران ایران که یکی از فعالین اندیشه و پیکار در آن به اختصار، مبارزات کارگران، زنان و دانشجویان ایران را تشریح کرد، قرائت کردیم که مورد استقبال حضار قرار گرفت.^(۳)

شب قبل از آغاز فستیوال، از دستگیری آقای محسن حکیمی با خبر شدیم و تلفنی با همسر ایشان تماس گرفته شد. حاصل کار این شد که در روز دوم فستیوال، در میز کردی که در رابطه با سرکوب‌های سیستم سرمایه‌داری علیه زحمتکشان برگزار شد، صدای خانم منیژه گازرانی پخش و به اسپانیایی ترجمه شد و قطعه‌نامه‌ای از سوی گرداننده میزگرد قرائت شد که به تصویب حضار رسید.^(۴) با برخی از فعالین خارج کشور هم تماس گرفتیم و در نتیجه، ابتدا از سوی کمیته همبستگی با کارگران ایران - هامبورگ (آلمان) یک سری عکس با زیر نویس به منظور معرفی جنبش کارگری ایران برای ما ارسال گشت. پس از ترجمه زیرنویس عکس‌ها، ۷ پوستر بزرگ از آنها تهیه شد.

نیز از سازمان زنان ایرانی - افغانی «هشت مارس» نیز یک فیلم در رابطه با مبارزات زنان در ایران

برای ما ارسال شد که پس از ترجمه و صداگذاری در غرفه ایران پخش گردید و مورد توجه دیدارکنندگان قرار گرفت.

همچنین از نشریه دانشجویی بذر نیز یک روزنامه دیواری که در آن تاریخ جنبش دانشجویی ایران را معرفی می‌کرد به ما رسید.

علاوه بر اینها، یکی از رفقای رادیو دمکراسی شورائی، لادن توکلی، با شرکت در این فستیوال به شیوه ای بسیار مسئولانه در معرفی آن کوشید. سه مصاحبه با بهرام قدیمی و یکی با فرهاد سلیمی که روی سایت این رادیو و نیز روی سایت اندیشه و پیکار هست می‌تواند برای معرفی فستیوال و آشنایی با مبارزه زاپاتیست‌ها مفید باشد.

ما در تمام این موارد، با حفظ امانت، چندین روزنامه دیواری با نام تشکلهائی که آن‌ها را تهیه کرده بودند، ارائه دادیم. با این حال جا دارد همین جا از تمام کسانی که در تهیه روزنامه‌های دیواری، فیلم، برنامه‌های رادیویی، و معرفی «نخستین فستیوال جهانی خشم شرافتمندانه» یاری رساندند، سپاسگزارى کنیم. همان گونه که در بالا اشاره شد، سبک کار ما حاصل نقدیست تئوریک که به شیوه‌های خود محوربین و سکتاریستی گذشته داریم. ما مبارزه طبقاتی و پیشبرد آن را نه امری مختص به خود می‌دانیم و نه آن که خودمان را تنها جریان چپ فرض می‌کنیم. درست بر همین اساس است که طیف اشکال مبارزاتی را که در کلیت خود می‌توانند همسو باشند محترم می‌دانیم و. همکاری اصولی با آنان را مغتنم می‌شماریم و این از نظر ما دستاوری است که باید پاس داشت.

یک نگاه کلی

با اینکه هم در دعوتنامه آشکارا هدف این فستیوال بیان شده بود، و هم در ششمین بیانیه از جنگل لاکدونا، خط و مشی زاپاتیست‌ها روشن بود، باز هم تصور اولیه رفقای ما، نوعی اکسیون در حمایت از زاپاتیست‌ها بود. آنچه در ابتدا مایه تعجب بود، اصرار زاپاتیست‌ها در محدود نگه داشتن عمده شرکت کنندگان و دستچین کردن دعوت شدگان بود؛ بطوریکه بسیاری از احزاب و سازمانهای بزرگ آمریکای لاتین و اروپایی، که معمولاً در چنین جلساتی شرکت فعال دارند، اصلاً دعوت نشده بودند. اکسیونهای زاپاتیست‌ها که معمولاً دهها هزار نفر را شامل می‌شود، اینبار دقت شده بود که در حد محدودی باقی بماند و با احتساب مهمانها حدود دو هزار نفر شرکت کننده حاضر بودند. سخنرانی‌ها به ندرت این حالت را داشتند که گروهی بخواهد برای تبلیغ مواضع و یا مطرح کردن خود از این همایش بعنوان تریبون استفاده نماید.

هدف فستیوال بررسی و یافتن راه‌های مبارزه علیه سرمایه داری و نئولیبرالیسم "از پائین و از چپ" عنوان شده بود و اکنون پس از پایان این فستیوال می‌توان خیلی مشخص تر هدف این فستیوال را بیان کرد: این فستیوال در واقع یک همایش بین المللی از تمام جریانات چپ رادیکالی بود که با هر نوع پارلماناریسم و کسب قدرت دولتی مرزبندی داشته و به نفی و نقد آن دسته از سازمانها و احزاب چپ اعم از رفرمیستی و یا انقلابی رسیده اند که بدنبال ایجاد و گسترش یک تشکل مرکزی و قوی جهت رهبری و هژمونی بر جنبش‌های توده ای هستند و سوسیالیسم شان نوعی رهبری این یا آن حزب انقلابی و یا کارگری را در یک حکومت شورایی مطرح می‌کند.

این فستیوال چپ، بخصوص چپ رادیکال آمریکای لاتین بود برای بازیابی خود، و جمع‌بندی کارها و چشم اندازه‌های آینده اش جهت انسجام بیشتر. چپی که از یکسو بر یک رشته از جنبش‌های توده ای تکیه دارد و از طرف دیگر دارای مرزبندی با انواع رفرمیسم است، در شرایطی که تضاد دولتهای "چپ و مترقی" از یک سو با اپوزیسیون راست و از سوی دیگر با آمریکا در بسیاری از کشورهای این قاره مسائل دیگر را تحت الشعاع خود قرار داده است، این چپ منتقد دوران انزوی خویش را طی میکند و در جستجوی راه حل و خروج از این انزوا است.

در مقایسه با دیگر نقاط جهان، در آمریکای لاتین طی ده تا پانزده سال گذشته، چپ رادیکال یک رشته

از جنبشهای مهم توده ای را تجربه کرده است، جمعبندی این جنبشها، چشم اندازها و مسائل فوری و آتی آن یکی از محورهای اصلی کار فستیوال بود.

مساله آلترناتیو در مقابل نظام سرمایه داری و قدرت دولتی در واقع اصلی ترین محور جلسات و سخنرانی ها را در فستیوال تشکیل می داد. برای طیف گسترده ای از چپ، مسائل سوسیالیسم، قدرت دولتی، جایگاه حزب و طبقه، شوراها و غیره کمابیش روشن است و در عرصه تئوریک طی یکصد سال، چه در دوران انترناسیونال دوم و چه پس از انقلاب اکتبر، غالب جنبه های آن تئوریزه شده است و در عرصه عملی از پشتوانه انقلابات پیروزمند برخی کشورها برخوردار است. برای این طیف از چپ، حداکثر در چارچوبی انتقاداتی مطرح میشود تا به سرنوشت کشورهای بلوک شرق دچار نشوند.

برای چپ رادیکال مساله آلترناتیو قدرت دولتی به مراتب غامض تر است، زیرا نه در عرصه تئوریک دارای یک پارادایم خاص است و نه در عرصه عملی تجربه خاصی برای آن وجود دارد (اگرچه نمی توان بحث حول شعار «تمام قدرت به دست شوراها»، تجربه فراکسیون کارگری حزب بلشویک در روسیه، و برخی فعالین چپ رادیکال در اروپای غربی را از یاد برد). یعنی اگر مساله نفی سلطه نظام سرمایه داری به معنای به قدرت رسیدن یک حزب و یا جبهه خاص نیست و پارلماناریسم را از ریشه نفی می کنیم، پس این آلترناتیو را چگونه میتوان تصور کرد؟ و در عمل چه نطفه های عینی برای آن وجود دارد؟ جنبش های کارگری و اجتماعی یکی دو دهه آمریکای لاتین در واقع نوعی از این دیدگاه های جدید بوده اند و نیروهای عمل کننده در آن بر این اساس در این جنبشها شرکت آگاهانه داشته اند. فستیوال این فرصت را فراهم کرد که این فعالین عملی و نظری جنبش به جمعبندی این حرکت های توده ای و چشم انداز های آتی آن پردازند. از زاپاتیستها در چیاپاس گرفته تا جنبش کارگران بدون زمین برزیل، از مبارزات پیروزمندانه زحمتکشان کوچابامبا در بولیوی در بازپس گرفتن کنترل آب، تا اشغال کارخانه و کارگاهها در آرژانتین و دهها نمونه دیگر که در فستیوال معرفی شدند. مساله قیام های شهری و تجربیات و چشم اندازهای آن نیز یکی دیگر از این مباحث بودند.

ما در اینجا ابدا ادعای این را نداریم که یک جمعبندی "عینی و بی طرف" از فستیوال ارائه می دهیم، ما با یک ذهنیت آکنده از سؤالات فراوان، تناقضات و مسائلی که در جنبش خودمان با آنها درگیر هستیم در فستیوال شرکت کردیم، مسائلی که سالهاست سعی در پاسخگویی و جمعبندی آنها داریم و هر سخنرانی، مصاحبه، گفتگوی خصوصی با شرکت کنندگان و فعالین این جنبشها به این ذهنیت سیال ما شکل می داد و یا ما این ها را با عینک ذهنیت انتقادی و جستجوگر خودمان شکل می دادیم و مشاهده میکردیم. ارمغان این دو هفته فشرده و پر تلاطم حجم قابل توجهی از ایده ها، دیدگاه ها و راه حلها و تجربیات عملی بود. در دو روز ما این امکان را داشتیم که دو روستای زاپاتیستی را از نزدیک مشاهده کنیم و با مسئولین شورای دولت خوب مصاحبه داشته باشیم. به علاوه در چند نشست خصوصی با مسئولین زاپاتیستها، و نیز اسکار اولیورا (از بولیوی) و دو تن از فعالین دومین جریان بزرگ چپ رادیکال مکزیک - پس از زاپاتیستها -، یعنی ارتش انقلابی خلق شورسگر، به گفتگو پرداختیم.

ما تلاش خواهیم کرد که مطالبی را که در سخنرانی ها یا مصاحبه ها مطرح شده، آماده و ترجمه شود تا بتوان آن ها را در اختیار مبارزان علاقه مند قرار داد.

روند برنامه ها:

بخش اول:

قسمت اول فستیوال با شرکت چندین صد نفر متشکل از هیأت های نمایندگی گروه های مختلف در آمریکای لاتین و از سراسر دنیا که با زاپاتیست ها ارتباط دارند، در یکی از محلات فقیرنشین شهر مکزیکو برگزار شد. انتخاب این محل که متعلق به یکی از گروه های «کارزاری دیگر» است، در رابطه مستقیم با محتوای

برنامه بود. اگرچه گرد و خاکی که با هر نسیمی بلند می‌شد آزاردهنده بود، با این حال نشان‌دهنده شرایط زندگی کسانی نیز بود که به «کارزاری دیگر» پیوسته‌اند. در این فضا از طرفی چادرهای بحث و گفتگو بر پا بود، و از طرف دیگر یک چادر برای نمایش فیلم، محلی دیگر برای اجرای تئاتر، یک سن برای اجرای برنامه‌های هنری و موسیقی و دو چادر به عنوان کافه تریا، و منطقه غرفه‌ها، که شامل ۱۳۸ غرفه می‌شد که در آن هر جریان و گروهی که علاقه‌مند بود، و از قبل جا رزرو می‌کرد، می‌توانست نمایشگاه داشته باشد. غرفه‌ی ۷۷ متعلق بود به «اندیشه و پیکار». این غرفه همان طور که ذکر کردیم، با ۹ روزنامه دیواری به قطع A1 تزئین شده بود. (۷ پوستر در رابطه با مبارزات کارگری، یک پوستر از جنبش دانشجویی و پوستر نهم، که فعالیت‌های انتشاراتی اندیشه و پیکار را نشان می‌داد. درکنار آن فیلم «سازمان ۸ مارس» در مورد جنبش زنان که بارها نمایش داده شد.) علاوه بر اینها کمک رادیو دمکراسی شورائی و تهیه مصاحبه‌های گوناگون چه با شرکت‌کنندگان ایرانی و چه با دیگران (که امیدواریم بزودی از سوی خودشان منتشر گردد) باعث هرچه پربارتر شدن فعالیت ما همگی در این فستیوال گردید.

همان‌طور که در تماس‌های قبلی با رفقا مطرح کرده بودیم، اندیشه و پیکار مسئولیت ترجمه را تا آن جا که ممکن بود به عهده گرفت. روزنامه‌های دیواری، فیلم و پیام‌ها همیشه همراه امضای گروهی را با خود داشت که آن را تهیه کرده و برای ما فرستاده و خود مسئول محتوای آن بود. نکته قابل ذکر دیگر، توجه نشریات و رادیوهای مستقل از آمریکای لاتین و غیره نسبت به ایرانیان بود. مصاحبه‌های مختلفی در این باره صورت گرفت که در آن‌ها سعی ما بر این بود که شرایط زندگی و مبارزات زحمتکشان ایران، بدون اغراق و به شیوه‌ای قابل فهم ارائه گردد.

بخش دوم

قسمت دوم فستیوال که در چیاپاس برگزار شد.

از عصر ۳۱ دسامبر، جشن سال نو، و سالگرد قیام زاپاتیست‌ها در «اونتیک» (یکی از مراکز مهم و مشهور زاپاتیستی در نزدیکی شهر سن کریستوبال) آغاز شد. طی این جشن که تا پاسی از شب ادامه داشت، زاپاتیست‌ها پیامی به مناسبت سالگرد قیامشان قرائت کردند و به میهمانانی که از سراسر مکزیک و کشورهای دیگر به آن جا آمده بودند، خوش آمد گفتند.

از روز دوم ژانویه، کار نخستین فستیوال خشم شرافتمندانه در شهر سن کریستوبال، در دانشگاه «خاک» ادامه یافت.

این قسمت از فستیوال شامل بحث‌های تئوریک حول زمینه‌های مختلف بود. (لیست سخنرانی‌ها در زیر می‌آید).

پس از پایان فستیوال، ما چهار نفر ایرانی شرکت‌کننده در آن عازم «لا رئالیداد» شدیم. «لا رئالیداد» یکی دیگر از مراکز بسیار مهم جنبش زاپاتیستی است. در این روستا نشستی داشتیم با مسئولین شورای دولت خوب که منطقه جنگل و مرز (با گواتمالا) را تحت پوشش خود دارد. از «لا رئالیداد» عازم «سن خوزه» شدیم تا از بیمارستان زاپاتیستی آن دیدن کنیم و از نحوه کار در آن مطلع شویم. دیدار از سن خوزه آخرین مرحله از سفر ما بود.

گرچه یکی از دلایل شرکت ما در این نخستین فستیوال جهانی خشم شرافتمندانه، توضیح شرایط حاکم بر ایران بود، اما در کنار توضیح آنچه در ایران می‌گذرد، ما بیشتر علاقه‌مند بودیم بدانیم که در کشورهای دیگر چه می‌گذرد و نوع مبارزه‌ای که به پیش می‌برند چیست. در این زمینه کوشیدیم از موقعیت استفاده کنیم و نشست‌های مختلفی داشتیم با کسانی که از کشورهای گوناگون آمده بودند. از آن جمله بود گفت و گوئی که با یکی از مادران میدان مه، بانو نورا کوتینیاس **Nora Cortiñas**، داشتیم که از آرژانتین آمده بود.^(۵) در همین راستا نشست و مصاحبه‌ای داشتیم با نمایندگان **CGT** (کنفدراسیون کارگران اسپانیا) و اسکار الیورا (دبیر

اول سندیکای کارگران کارخانه ای در کوچابامبا، بولیوی و رهبر «جنگ آب» در این شهر علیه شرکت آمریکایی (بچتل)، برخی فعالین چپ ایتالیائی و ... نشریه مکزیک سنسونتله (که به ما در کار ویرایش برخی ترجمه ها و سوار کردن صدا روی فیلمی که سازمان ۸ مارس ارسال کرده بود، کمک دادند).

آن چه در تمام برنامه چشم گیر بود، تفاوت آن با بسیاری از سمینارها و فستیوال های سیاسی در تعریف دشمن اصلی بود. سراسر فستیوال سرمایه داری را در کلیت آن هدف حملات خود داشت. در بسیاری از سخنرانی ها، تئوری های مارکس حضور داشت. نکته دیگر همبستگی گسترده با خلق فلسطین بود. این بیانیه را که یک گروه اسپانیائی، در شهر مکزیکو پیشنهاد کرده بود، فقط سه گروه امضا نکردند: یک گروه از جوانان آرژانتینی و یک گروه دیگر، به خاطر آن که می گفتند که نمی توانند بدون مشورت با رفقای خود چیزی امضا کنند، و گروه «دیگر بس است» Ya Basta از آلمان، که نماینده آن، این بیانیه را «آنتی سمیت» خواند. سرانجام، اطلاعیه «کنگره ملی بومی» پایان بخش فستیوال در شهر سن کریستوبال بود و در آن شدیداً حمله دولت اسرائیل به غزه را محکوم می کرد با تشویق فراوان حضار روبرو شد و نشان دهنده گرایش عمومی و مسلط بر شرکت کنندگان بود.

روز شمار فستیوال:

۲۶ دسامبر ۲۰۰۸

ساعت ۱۰,۰۰ افتتاح مراسم

ساعت ۱۱,۰۰ چهار چرخ سرمایه داری: استثمار.

در این بخش نمایندگان کارگران مکیلاهای کالیفرنیا سفلای جنوبی و تمانولپیا از شرایط بی حقوقی کارگران در مناطق آزاد تجاری سخن گفتند و از سازماندهی و فعالیت های خود.

نماینده کنفدراسیون عمومی کارگران اسپانیا CGT از فعالیت آنارکوسندیکالیست های اسپانیا و شرایط کنونی آنان حرف زد. وی اذعان داشت که دیگر مبارزات کارگری بدون هماهنگی با کارگران مهاجر تقریباً غیر ممکن است. CGT معتقد است که اروپای متحد از هماهنگی سرمایه داران با برنامه های نظامی پلیسی شکل گرفته است و در برابر آن باید مبارزات کارگری در سراسر اروپا متشکل شوند.

نماینده کارگران بیکار سولانو، معروف به «پیکته رو» در منطقه سولانو در نزدیکی بوئنوس آیرس در آرژانتین از تاریخ مبارزاتشان و از مشکلاتی که پیش پای یک جنبش مستقل وجود دارد سخن گفت.

در بخش بعدی فرهاد سلیمی، از فعالین اندیشه و پیکار، پس از آنکه علت عدم شرکت مستقیم کارگران ایران در فستیوال را توضیح داد، به شکل بسیار فشرده ای از شرایط کارگران، زنان و دانشجویان در ایران حرف زد. آنگاه او از دستگیری فعالین کارگری در ایران در هفته های گذشته اطلاعاتی در اختیار حضار قرار داد. سپس پیام «کانون دفاع از حقوق کارگر» را قرائت نمود.^(۶)

کارگران شرکت آلمانی لاستیک سازی «اویسکادی» از چند و چون بسته شدن در کارخانه در ایالت خلیسکو در مکزیک و مبارزه تشکل مستقل کارگران و دست آخر اشغال کارخانه سخن گفت. این کارخانه که در حال حاضر به عنوان کنوپراتیو عمل می کند، همچنان توسط خود کارگران اداره می شود. وی از یاری کنوپراتیوهای دیگر، بخصوص کنوپراتیو نوشابه سازی «بوئینگ» در طی مبارزاتشان سپاسگزاری کرد و روی اهمیت کمک های متقابل در مبارزات کارگری تأکید نمود.

در آخرین بخش از برنامه، نمایندگان یک گروه از کارگران ایتالیائی با توضیح مبارزاتشان در شهر میلان علیه طرح های نئولیبرالی و همکاری سندیکاهای رسمی با سرمایه داران توضیحاتی داد. و بعد از آن چند جمع کوچک دیگر نیز از فعالیت های مشابهی در مکزیک حرف زدند.

ساعت ۱۷,۰۰. راه‌های دیگر: شهری دیگر.

نماینده اتحادیه ملی سازمان‌های مردمی چپ مستقل UNOPII (مکزیک) از تاریخ فعالیت‌های این تشکل حرف زد. اتحاد کارگری و سوسیالیستی UNIOS (مکزیک) نیز به همین ترتیب. بعد چند نفر از جوانان و جمع‌های آنارشیستی، پانک، و رهائی‌طلب (مکزیک) در مورد مشکلاتشان در جامعه و توضیح چرایی فعالیت‌های خود برای مردم، و از درگیری‌هایی که در شهر مکزیکو با نیروهای انتظامی دارند سخن گفتند.

۲۷ دسامبر ۲۰۰۸

ساعت ۱۱,۰۰. چهار چرخ سرمایه‌داری: محرومیت.

فوروم باز با شرکت کنگره ملی بومی CNI (مکزیک)، مهاجرین زن و مرد لاس لوماس د پولهو [تپه‌های پولهو] (سیوداد خوارز) (مکزیک)، نماینده کانون انجمن شهرهای بومیان کائوکا (کلمبیا) که جزو سخنرانان بود، متأسفانه نتوانست ویزا بگیرد و به همین دلیل در برنامه شرت نداشت.

ساعت ۱۷,۰۰ جنبش‌های اجتماعی دیگر. فوروم باز با شرکت CUNC-تلاکسکالا (مکزیک)، نیروی بومی چینانته‌کا (مکزیک)، جبهه خلق (مکزیک)، محله بلانکا نویداد در شهر نوئولاردو (مکزیک)، جبهه خلقی فرانسیسکو ویلا مستقل (مکزیک)، کاکتو-اواخاکا (مکزیک).

۲۸ دسامبر ۲۰۰۸

ساعت ۱۱,۰۰. چهار چرخ سرمایه‌داری: سرکوب

. فوروم باز با شرکت بانوان سینالوا و چیهواها (مکزیک)، پیام زندانیان سیاسی آتنکو^(۷) (مکزیک)، پیام ضبط شده گلوریا آرناس^(۸)، زندانی سیاسی (مکزیک). گلوریا آرناس در مقاله اش نشان داد که در مبارزه نمی توان از شکنجه گریخت و نمی توان گمان کرد که در جامعه سرمایه داری شکنجه در کار نباشد، بلکه باید چگونگی مقاومت در مقابل آن را آموخت. جمع همه زندانی هستیم (مکزیک)، شبکه ملی علیه سرکوب و به نفع همبستگی (مکزیک)، باربارا سامورا وکیل مدافع بسیاری از زندانیان سیاسی (مکزیک). از جمله گروه هایی که در بخش از برنامه سخنانشان را ارائه دادند، انجمن مبارزه با شکنجه و معافیت از مجازات CCTI (مکزیک) بود. نماینده این انجمن، ریکاردو لووه، رابطه شکنجه را با مبارزه طبقاتی نشان داد.^(۹)

ساعت ۱۷,۰۰. راه‌های دیگر: سیاستی دیگر، تاریخی دیگر. میزگرد باز با شرکت جان هالوی John Hollowy، فلییه اچنیک Felipe Echenique (مکزیک)، فرانسیسکو پیندا (مکزیک)، رائول سیچی^(۱۰) Raul Zibechi (اروگوئه)، اولیویه بزاسونو Olivier Besancenot (فرانسه بنیانگذار حزب نوین ضد سرمایه داری)، مونیکا بالتودانو^(۱۱) (نیکاراگوئه)، سرخیو رودریگز لاسکانو Sergio Rodriguet (مکزیک) Lascano.

۲۹ دسامبر ۲۰۰۸

ساعت ۱۱,۰۰. چهار چرخ سرمایه‌داری: تحقیر

. فوروم باز با شرکت جمع آنارکو پانک لاکوروا (مکزیک)، کنگره ملی بومی (مکزیک)، مجلس ملی براسهرو^(۱۲) (مکزیک)، مرسدس اولیورا (مکزیک).

۳۱ دسامبر ۲۰۰۸

از حوالی بعد از ظهر اتوبوس‌ها، کامیون‌ها و اتومبیل‌هایی که به عازم اوونتیک بودند، چهره جاده باریکی را که از سن کریستوبال به سوی بلندی‌های چیاپاز می‌رفت، تغییر دادند. در مقابل جاده ورودی اوونتیک، تا چند کیلومتر، جای پارک کردن نبود. هوا هنوز روشن بود که گروه‌های موسیقی کارشان را شروع

کردند. حدود ساعت ۹ شب، جمعیتراه را برای ورود فرماندهان زاپاتیست به صحنه گشود و برنامه با پیام ارتش زاپاتیستی آزادیبخش ملی به مناسبت پانزدهمین سالگرد قیام مسلحانه و خوش آمد گوئی به شرکت کنندگان در نخستین فستیوال جهانی خشم شرافتمندانه ادامه یافت. بعد، همان طور که در مناطق زاپاتیستی سنت است، رقص و پایکوبی تا پاسی از شب ادامه یافت.

۲ ژانویه ۲۰۰۹

ساعت ۱۱,۰۰: برنامه با کمی تأخیر در سالن اصلی «دانشگاه خاک» آغاز شد. با ورود فرماندهان زاپاتیست، و دو کودک دختر زاپاتیست، لویپتا و تونیتا - که ظاهراً زاپاتیست ها با حضور خردسالان در فستیوال می خواستند احترام به شخصیت و حقوق آنان را به عنوان یک اصل آموزشی برای جامعه مطرح نمایند. کلنل مویسس جلسه را رسماً افتتاح کرد. در این بخش نمایندگان اتحادیه ملی سازمان‌های مردمی چپ مستقل UNOPII (مکزیک) از تاریخ فعالیت‌های این تشکل حرف زد. اتحاد کارگری و سوسیالیستی UNIOS (مکزیک)، کنفدراسیون عمومی کارگران اسپانیا - CGT، گروه دیگر بس است Ya Basta از ایتالیا و «عدالت برای محله» از نیویورک^(۱۳) سخن گفتند.

ساعت ۱۷,۰۰: برنامه بعد از ظهر شامل جنبش کارگران بیکار آرژانتین - سولانو، کمیته همبستگی با خلق های مبارز چیاپاس، کنفدراسیون دهقانان پرو، نشریه آ لنا (یونان) بود. آخرین سخنران این روز، معاون فرمانده شورشی، مارکوس بود که اولین سری از «هفت باد در تقویم و جغرافیای اعماق» را تحت عنوان «جوانی شریف خشمگین» قرائت کرد.

۳ ژانویه ۲۰۰۹

ساعت ۱۱,۰۰: شرکت کنندگان اولین بخش دومین روز میز گرد از این قرار بودند: رائول سیچی (اروگوئه)، اسکار الیورا^(۱۴) (بولیوی)، مونیکا بالتودانو (نیکاراگوئه)، آدولفو جیلی (مکزیک) و سرانجام، معاون فرمانده شورشی، مارکوس سخنانش را با عنوان «یک آرزوی شرافتمندانه خشمگین» ارائه داد.

ساعت ۱۵,۰۰: میز گرد ارتباط جمعی دیگر.

ساعت ۱۹,۰۰: پیر لوییجی سولتو ()، خیمه پاستور (اسپانیا)، و سرخیو رودریگز لاسکانو (سردبیر نشریه ریلدیا، مکزیک) بودند. پس از آن سخنرانی آرانداتی روی Arundhati Roy (هندوستان) که شخصاً حضور نداشت، توسط یک خانم مکزیک قرائت شد. «رنگ خاک شرافتمند و خشمگین» تیتیر سخنرانی معاون فرمانده شورشی، مارکوس بود. دست آخر دو خردسال زاپاتیست، لویپتا و تونیتا، نیز داستانی را که خود نوشته بودند، قرائت کردند.

۴ ژانویه ۲۰۰۹

ساعت ۱۱,۰۰: گوستاوو استوا، ژوشه ایررته (سرزمین باسک)، ژان رویر (سوئیس)، و لوتیز وییورو سخن گفتند. بعد معاون فرمانده مارکوس تحت عنوان «خشم شرافتمندانه متشکل»، اطلاعیه ارتش زاپاتیستی آزادیبخش ملی را در محکومیت حمله اسرائیل به غزه قرائت کرد.^(۱۵)

ساعت ۱۵,۰۰: در میز گرد خشونت جنسیتی که در آن از جمله بازماندگان سرکوب‌های سن سالوادور آتنکو سخنرانی کردند. خانم فرمانده اورتنسیا، بخش پنجم از «هفت باد در تقویم و جغرافیای اعماق - که با استفاده از اساطیر بومیان نوشته شده - را تحت عنوان «یک خشم زنانه و شرافتمندانه» قرائت نمود.

ساعت ۱۹:۰۰: این بخش برنامه با خواندن متنی از والتر میگنولو، که خودش نتوانسته بود بیاید، آغاز شد. بعد کارلوی آگییر روخاس، میکائیل هاردت^(۱۶) (آمریکا)، سیلویا مارکوس و معاون فرمانده شورشی، مارکوس (خشم شرافتمندانه ای دیگر) سخنرانی کردند.

۵ ژانویه ۲۰۰۹

ساعت ۱۱:۰۰: در اولین قسمت از برنامه های آخرین روز فستیوال سازمان های دهقانی و بومی مکزیک سخن گفتند، بعد نامه جنبش کارگران روستائی بدون زمین^(۱۷) MST (برزیل) قرائت شد. بعد رشته کلام را خانم دولورس اسلس به دست گرفت. آن گاه کارلوس مارنتس، آمریکا میاری پینه مال، آلبرتو گومز، و خوان چاوز سخنرانی کردند. بخش صبحگاهی با سخنان معاون فرمانده شورشی مارکوس پایان یافت.

ساعت ۱۵:۰۰: با پیام ویدئویی جان برگر^(۱۸) John Berger، تحت عنوان نامه ای از فلسطین آغاز شد. بعد خانم پائولینا فرناندز، کارلوس گونزالس، سخنرانی کردند. آن گاه نامه ای از مارکوس رویتمن قرائت شد. پس از آن پابلو گونزالس کازانوا سخنرانی کرد. معاون فرمانده شورشی، مارکوس آخرین بخش از سخنانش را تحت عنوان «مرگی شرافتمندانه و خشماگین» قرائت کرد.

دست آخر فرمانده داوید در ساعت ۲۳:۳۲ از سوی فرماندهی کل ارتش زاپاتیستی آزادیبخش ملی رسماً پایان کار فستیوال را اعلام کرد.

در همین زمان نماینده «کنگره ملی بومی» خواستار شد تا چند دقیقه بیانیه را قرائت کند. پس از موافقت، بیانیه ای که شدیداً حمله دولت اسرائیل را به غزه محکوم می کرد قرائت شد.

* * * * *

پانویس ها:

۱- برای اطلاع بیشتر نگاه کنید به اصل اطلاعیه:

<http://www.peykarandees.org/ezInFarsi/EZLN-primer-festival-mundial-de-la-digna-rabia.html>

۲- برای اطلاع بیشتر نگاه کنید به اصل اطلاعیه:

<http://www.peykarandees.org/ezInFarsi/EZLN-primer-festival-mundial-de-la-digna-rabia-081126.html>

۳- پیام کانون مدافعان حقوق کارگر: <http://kanoonmodafean.blogfa.com/post-70.aspx>

۴- متن این قطعنامه همراه با مشخصات اشخاص و گروه هائی که آن را امضاء کرده اند روی سایت های مختلف ایرانی قابل دسترسی است:

<http://www.peykarandees.org/safAzad/Ghatnameh-Festivale-Khashm.html>

۵- در گذشته مصاحبه ای داشتیم با خانم ابه پاستور د بونافینی. نورا کورتیناس از جناحی از مادران میدان مه است که معروف اند به «خط بنیانگذاران». با این حال برای آشنائی بیشتر با فعالیت های مادران میدان مه، رک به مصاحبه درباره مبارزه مادران میدان مه (آرژانتین)

<http://www.peykarandees.org/old/jonbesh/pdf/Hebe/20de/20Bonafin.pdf>

۶- ن.ک. به زیر نویس ۳

۷- در مورد آنتکو رجوع کنید به: گزارش بهرام قدیمی از سرکوب وحشیانه ساکنین سن سالوادر آتنکو، ۱۴ مه ۲۰۰۶
<http://www.peykarandeesh.org/ezInFarsi/Repression-in-Atenco.html>

۸- گلوریا آرناس، با نام مستعار «کلنل آنورورا»، و همسرش خاویو سیلوا نوگالس، «فرمانده آنتونیو»، هر دو از فرماندهان مهم ارتش انقلابی خلق شورشگر، از سال ۱۹۹۸ در زندان بسر می برند و از درون زندان جزو نخستین کسانی اند که به «کارزار دیگر» پیوستند. آنان بی شک معروفترین و مهم ترین زندانیان سیاسی مکزیک اند. در این باره از جمله نگاه کنید به:

مصاحبه با فرمانده سانتیاگو، ارتش انقلابی خلق شورشگر، ترجمه: نادر ثانی، در پیام فدائی
<http://www.siahkal.com/index/right/20col/Interview2-Payam70.htm>

و
«کارزاری دیگر» (گزارشی از یک اجلاس عمومی زاپاتیستی)، بهرام قدیمی، مکزیک - ۴ اکتبر ۵۰۰۲
<http://www.peykarandeesh.org/ezInFarsi/GozaresheBahram.html>

۹- برای اطلاع بیشتر در مورد Colectivo Contra la Tortura y la Impunidad - CCTI نگاه کنید به:
<http://contralatortura.org>

و همچنین به: شکنجه، شکنجه شده و جامعه، بحث ارائه شده به سمینار سراسری درباره کشتار زندانیان سیاسی در ایران، کلن، ۱۷ ژوئیه ۲۰۰۵، فلیسیتاس ترویه

<http://www.peykarandeesh.org/article/FelicitasTreue-Koln.html>

و: شکنجه ی جنسی و مقاومت جمعی، نمونه: مکزیک - سن سالوادر آتنکو
<http://www.peykarandeesh.org/article/sexueltorture.html>

فلیسیتاس ترویه: سخنرانی در مراسم یادمان هجدهمین سالگرد کشتار زندانیان سیاسی در ایران، فرانکفورت - سپتامبر ۲۰۰۶

و
TORTURE, REPRESSION AND RESISTANCE, Speech on September 21. 2008 in: The 20th Anniversary of Iranian Political Prisoner's Massacre in Summer 1988, Montreal, September 19-21, 2008
<http://www.peykarandeesh.org/noFarsi/torture-repression-and-resistance.html>

۱۰- در باره رائل سیچی نگاه کنید از جمله به:
Survival and Existence in El Alto
<http://www.counterpunch.org/zibechi10142005.html>

و
Plan Colombia pays off for Washington
<http://socialistworker.org/2008/07/18/plan-colombia-pays-off>

و
Latin America Now: An Interview with Raúl Zibechi
http://www.bilaterals.org/article-print.php3?id_article=5559

۱۱- مونیکا بالتودانو از فرماندهان سندنیست بود که پس از جنگ به انتقاد از سیاست های دانیل اروتگا پرداخت. بالتادانو که در حال حاضر نماینده مجلس است، به جریانی تعلق دارد که می خواهد سنت های انقلابی جبهه آزادیبخش سندنیست را احیا کند.

۱۲- براسه رو یعنی کسی که کار بدی می کند. منظور کارگران مکزیکی است که در آمریکا کار می کردند و بخشی از

حقوقشان به دولت مکزیك پرداخت می‌شد تا به عنوان بازنشستگی بدانان بازپرداخت شود. دولت مکزیك هرگز حقوق این کارگران را که از آمریکا به میهنشان برگشته‌اند به آنان نداد.

۱۳- در مورد این تشکل مردمی، از جمله نگاه کنید به:

Movement for Justice in El Barrio
<http://www.leftturn.org/?q=node/1062>

و

Movement for Justice in El Barrio Proposes an International Day of Action
<http://narcosphere.narconews.com/notebook/rj-maccani/2007/05/movement-justice-el-barrio-proposes-international-day-action>

۱۴- برای اطلاع بیشتر از اسکار الیورا رجوع شود به سخنرانی وی در نخستین فستیوال خشم شرافتمندانه:

<http://www.peykarandeesh.org/ezInFarsi/Festival-Digna-Rabia-Oscar-Olivera.html>

۱۵- ترجمه به فارسی این متن تحت عنوان «در باره کشت و درو»:

<http://www.peykarandeesh.org/ezInFarsi/09.01.04-EZLN-Farsi.html>

۱۶- وی همراه با تونی نگری نویسنده کتاب های «انبوه خلق» و «امپراتوری» است که به زبان فارسی نیز انتشار یافته اند.

۱۷- در مورد «جنبش کارگران روستائی بدون زمین» از جمله نگاه کنید به:

مصاحبه با المار سیسمبرا، عضو کمیسیون روابط بین المللی جنبش کارگران روستائی بدون زمین:

<http://www.peykarandeesh.org/old/jonbesh/pdf/Elemar.pdf>

۱۸- جان برگر، نویسنده متعهد، رمان نویس، نقاش و ناقد هنری و سناریست انگلیسی ساکن فرانسه (wikipedia).